

باسمه تعالی

۱. اشکال سوم: عدم فردیت عاقل برای عنوان «عقلاء».....

۲. اشکال چهارم: عدم سیره بین عقلاء در دائره احکام شرعیه.....

موضوع: حجج و امارات / سیره / مقام اول / جهت چهارم

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل راه پنجم برای اثبات اعتبار سیره عقلاء بررسی شد. دو اشکال شهید صدر بر این وجه، پاسخ داده شد. در این جلسه دو اشکال دیگر بر این وجه بررسی می‌شود.

اشکال سوم: عدم فردیت عاقل برای عنوان «عقلاء»

همانطور که گذشت دو اشکال شهید صدر بر وجه پنجم (بیان محقق اصفهانی) وارد نبوده و پاسخ آنها داده شد. اما به نظر می‌رسد وجه پنجم برای احراز امضاء نیز صحیح نیست و سه اشکال بر آن وارد است. اشکال اول اینکه همانطور که در مباحث قبل مطرح شد شارع فردی از افراد عقلاء نیست، زیرا هیچ انسان یا عاقلی نسبت به عنوان «عقلاء» فرد نیست بلکه انسان‌ها عضو مجموعه عقلاء هستند، و شارع مقدس خارج از مجموعه است؛ زیرا عقلاء مجموعه از افراد دارای قوه عاقله هستند که زندگی اجتماعی را تجربه نموده‌اند. عنوان «عقلاء» نظیر عنوان «ناس» است که زید فرد انسان هست، اما فرد ناس نیست بلکه در مجموعه ناس عضویت دارد (لذا «زید انسان» صحیح بوده اما «زید ناس» صحیح نیست).

توضیح بیشتر اینکه انسان‌ها یک زندگی اجتماعی دارند که در اثر آن اموری پدیدار می‌شود که هیچ فردی در آن تصمیم‌گیری نکرده است. به عنوان مثال زبان نزد زبان‌شناسان یک پدیده اجتماعی است که حاصل زندگی اجتماعی چند هزار ساله انسان‌هاست، بدون اینکه اشخاصی آن را وضع کرده باشند (چه به لحاظ دستوری و چه به لحاظ معانی). به هر حال در طول زندگی اجتماعی برخی امور اعتباری نیز پدید آمده‌اند که یکی از آن مفاهیم اعتباری در نظریه امروز «حسن و قبح» است (حتی مصادیق حسن و قبح نیز از پدیده‌های اجتماعی بوده و حاصل زندگی اجتماعی است). به عنوان مثال اگر مولی تکلیفی به عبدش نمود و عبد با وجود خبر ثقه مخالفت کرد، نزد عقلاء عقوبت وی قبیح نیست. در این مورد یک مفهوم انتزاعی به نام «حجیت» نیز متولد شد. هرچند حجیت امری واقعی است اما از حسن و قبح یک عقوبت انتزاع می‌شود که قبح نیز از امور اعتباری است.

در نتیجه خداوند منان از افراد مجموعه عقلاء نیست؛ نظیر اینکه خداوند منان سمیع و بصیر است اما قوه سامعه و باصره ندارد، بلکه آگاه به مسموعات و مبصرات است. لذا خداوند منان عاقل است اما قوه عاقله ندارد، بلکه آگاه به معقولات است. یعنی قوه عاقله و زندگی اجتماعی نداشته لذا داخل در مجموعه عقلاء نیست!

تذکر این نکته لازم است که گاهی گفته می‌شود امور اعتباری عقلانی حاصل خرد جمعی انسان‌هاست، و گاهی گفته می‌شود علوم حاصل خرد جمعی است. اصطلاح «خرد جمعی» مشترک لفظی بوده و به دو معنی متفاوت به کار رفته است. توضیح اینکه پدید آمدن علوم توسط خرد جمعی به این معنی است که حاصل خرد یک فرد نیست بلکه هر فرد یک قدم در علم به جلو حرکت نموده، و فرد دیگر قدم دیگری به جلوتر رفته، لذا علوم به این نقطه رسیده است. به عنوان مثال اگر مرحوم آخوند به هزار سال قبل برگردد هرگز این افکار اصولی را نخواهد داشت، و اگر شیخ طوسی به هزار سال بعد رود، افکار بالاتری خواهد داشت. مفاهیم نقش ابزار را بازی می‌کند؛ اما خرد جمعی در سیره عقلاء به این معنی نیست، بلکه به معنای امر غیر اختیاری بوده که در اثر زندگی اجتماعی حاصل می‌شود.

بنابراین شارع زندگی اجتماعی نداشته و عضوی از مجموعه عقلاء نیست.

اشکال چهارم: عدم سیره بین عقلاء در دائره احکام شرعیه

اشکال دوم (علاوه بر دو اشکال شهید صدر) بر کلام مرحوم اصفهانی این است که عقلاء در دائره احکام شرعیه سیره و رویه‌ای ندارند. یعنی حتی اگر فرض شود خداوند متعال داخل در مجموعه عقلاء است، اما اصلاً سیره‌ای بین عقلاء در دائره احکام شرعی نیست تا شارع «بما هو عاقل» آن را معتبر بداند؛ زیرا عقلاء فقط ناظر به احکامی هستند که در نظام اجتماعی تأثیر دارد، و خود شارع «بما هو عاقل» نیز در دائره احکام شرعی نظری نخواهد داشت.

بنابراین اگر فرض شود شارع از افراد عقلاء و یا عضو مجموعه عقلاست (به عنوان مثال نبی اکرم صلی الله علیه و آله واقعاً عضو مجموعه عقلاست، و خداوند متعال نیز تسلاً عضو مجموعه است)، اما «بما هو شارع» نسبت به حجیت حجت عقلانی در دائره تکالیف شرعیه موقفی ندارد. هرگاه عقلاء موقفی نداشته باشند، نوبت به امضاء شارع نخواهد رسید.

۱. پس حجج عقلانی نیز مانند زبان، حاصل زندگی اجتماعی انسان است. حتی گفته شده قوه عاقله نیز حاصل زندگی اجتماعی انسان بوده و مانند قوه سامعه و باصره نیست. این زندگی اجتماعی موجب پدید آمدن حسن و قبح شده و سپس حقوق و ملکیت به وجود آمده و سپس حجیت و منجزیت و معذرت پدید آمده است.